

پیشگفتار

به کتاب

«بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیزم»

اثر لنین

کتاب «بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیزم» در آوریل و ترمیمات آن در ۱۲ ماه مه سال ۱۹۲۰ توسط لنین به رشته ی تحریر در آمد. این کتاب در ۸-۱۰ ژوئن به زبان روسی و تقریباً در همین زمان- در ماه ژوئیه، ترجمه ی آلمانی، فرانسه و انگلیسی آن چاپ شد. لنین شخصاً در کار حروف چینی و چاپ این کتاب نظارت کرد، تا کتاب قبل از آغاز دومین کنگره ی انترناسیونال کمونیستی منتشر گردید. کتاب مزبور بین کلیه ی نمایندگان دومین کنگره ی انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) توزیع شد. طی ماه های ژوئیه- نوامبر سال ۱۹۲۰ این کتاب مجدداً به زبان آلمانی در لیبزیک، به زبان فرانسه در پاریس و به زبان انگلیسی در لندن چاپ و منتشر گردید. در متن دستنویس «بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیزم» در زیر عنوان اصلی عنوان فرعی دیگری نیز بدین شرح وجود دارد: «(تجربه ی مصاحبات عامه فهم درباره ی استراتژی و تاکتیک مارکسیستی)». در کلیه چاپ های این کتاب که در دوران حیات لنین منتشر می شد این عنوان فرعی حذف شده بود. در چاپ چهارم کلیات و. ای. لنین اثر «بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیزم» از روی

متن چاپ اول، که غلط‌گیری آن توسط خود لنین انجام گرفته است، منتشر می‌شود.

به درستی این کتاب در باره "استراتژی و تاکتیک مارکسیستی" است. همواره در ۲۰۰ سال گذشته، از زمان تشکیل اولین تشکل‌های کارگری و ایجاد بین‌الملل اول، دوم و سوم (زمان لنین) آنچه منجر به بحران‌های سیاسی و تشکیلاتی این سازمان‌ها شد، انحرافات فرصت‌طلبانه از یکسو و فرقه‌گرایانه از سوی دیگر بوده است. لنین از نادر فعالان جنبش کارگری بود که توانست در اکثر موارد مشی انقلابی را در مقابل گرایش‌های انحرافی پیش برد. گام برداشتن در راستای مشی انقلابی به ویژه در جوامع اختناق‌آمیز؛ همانند راه رفتن بر روی لبه تیز یک چاقو است. هر لغزش کوچک فعال سیاسی را به «چپ» یا «راست» این لبه تیز پرتاب می‌کند. لنین از نادر انقلابیونی که هنر دوییدن بر این لبه تیز را آموخته بود! این «تاکتیک مارکسیستی» توسط لنین انجام گرفت و با صراحت به افشاگری مخالفان «چپگرا» (فرقه‌گرا) و «راستگرا» (فرصت‌طلب) پرداخت.

«بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیزم» کتابی است در برخورد به فرقه‌گرایان. فرقه‌گرایان در جنبش کارگری ایران نیز وجود دارند. از دیدگاه گرایش‌های خرده‌بورژوازی مانند گرایش‌ات «شبه‌آنارشیستی» و «مانوئیستی»، دنیا همواره به «سفید» و «سیاه» تقسیم می‌گردد. هر آنچه به غیر از «خود» آنهاست، در دنیای «سیاه» جای دارد. اینگونه تقسیم‌بندی البته برای کسانی که خواهان خلاص کردن خود از بار فعالیت روزمره و مشقت بار مبارزات کارگری علیه سرمایه‌داری هستند، ایده آل است. دنیای آنها «تخیلی» و «خالص» است. سناریوی آنها چنین خلاصه می‌گردد: کارگران (دوستان‌شان) از یک سو، و سرمایه‌داران (دشمنان‌شان)، همراه با گروه‌های سیاسی (چپ) از سوی دیگر، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. از نقطه نظر آنها استراتژی کارگران تشکیل حکومت شوراهای کارگری و سرنگونی دولت سرمایه‌داری است، و تا تحقق کامل این خواست مرکزی کارگران خود را آغشته به

هیچ عملی که خارج از این محدوده است، نباید کنند. هر آنچه غیر از این اتفاق افتد، «اصلاح گرایی» و تمکین به بورژوازی است. به زعم آنها «تاکتیک» پرولتری، وجود خارجی ندارد، و امری در حوزه فعالیت گرایش های «چپ بورژوازی» است. اینها تصور می کنند که کارگران همه یکپارچه مسلح به آگاهی سوسیالیستی هستند و تحت تأثیر و نفوذ عقاید بورژوازی و رفرمیستی قرار نمی گیرند. اینها فکر می کنند که کارگران برای دستیابی به هدف نهایی خود (دیکتاتوری پرولتری)، با حفظ اصول و برنامه خود، نباید مطالباتی (مطالبات انتقالی) طرح کنند که بتواند چارچوب دولت سرمایه داری را بلرزاند و آگاهی سوسیالیستی را برای کارگران گام به گام، در ارتباط با آگاهی کنونی شان، طرح کند. از دیدگاه آنها کارگران یک روزه «سوسیالیست» می شوند و تمام عیوب سرمایه داران را کاملاً درک کرده و اقدام به انقلاب کارگری می کنند. سایر مسأله‌ها در خدمت بورژوازی قرار دارد و بس! و هر آن کس مطلبی غیر از این سناریوی «خالص» و «زیبا» بر لب بیاورد الزاماً «چپ دستگاه سیاسی سرمایه داری و ضدانقلاب» است! مواضع فرقه های ی «شبه آنارشیستی» و «مائوئیستی» ایرانی، همان موضع «امتناع» از جنبش کارگری است.^۱

مازیار رازی

آبان ۱۳۸۴

^۱ - رجوع شود به نگاهی به چهره ی «فرصت طلبان» و «فرقه گرایان» در اپوزیسیون

«چپ»/ایران- م. رازی، کارگر سوسیالیست ۵۸، آبان ۱۳۷۷